



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد

۲۰۲۲ / ۰۶ / ۱۰

شیرساپی

روسیه باید خود را بازآفرینی کند

پیشگفتار : متن زیر ترجمه ویدئوی میشل کولن روزنامه نگار و منتقد بلژیکی است که با وجود اختصار، مطالب مهمی را مطرح می کند که برای من جذابیت خاصی داشت و به همین علت آن را به فارسی ترجمه کردم. آدرس ویدئو را در پی آمده خواهید یافت. در نتیجه دوستانی که به زبان فرانسه آشنائی دارند نیازی به خواندن متن من نخواهند داشت و می توانند مستقیماً به خود ویدئو مراجعه کنند. میشل کولن بخش هائی از متن « چگونه روسیه برای پیروزی در جنگ ترکیبی علیه ایالات متحده آمریکا باید خود را بازآفرینی کند.» نوشته دیمیتری ترینین را مورد بررسی قرار می دهد. پیشنهادهای ترینین برای روسیه هر عقل سلیمی را تشویق می کند، و راه کارهای او حتا خیلی جهانشمول بنظر می رسد.

حمید محوی

پاریس 6 ژوئن 2022

روسیه باید خود را بازآفرینی کند**میشل کولن**

می خواهیم درباره روسیه حرف بزنیم. رویدادهای مهمی در شرف تکوین است، مشکلات نظامی، مسائلی که پیشبینی نشده بود. من یک متن خیلی جالب خواندم از نویسنده ای به نام دیمیتری ترینین زیرعنوان « روسیه باید خود را بازآفرینی کند »، او عضو کمیته روس برای سیاست خارجی و دفاع است، در نتیجه می توانیم او را به عنوان فردی پر نفوذ تلقی کنیم، و اخیراً متنی خیلی انقلابی منتشر کرده است زیرا عنوان « چگونه روسیه برای پیروزی در جنگ ترکیبی علیه ایالات متحده آمریکا باید خود را بازآفرینی کند ». پیش از این در گفتگو با گابریل گالیس توضیح دادم که جنگ ترکیبی چیست، جنگی است که صرفاً و حتماً نظامی نیست بلکه اقتصادی، روانشناختی، اطلاعاتی و رسانه ای، سرویس های اطلاعاتی، جاسوسی... همه این وجوه در جنگ ترکیبی وجود دارد و وجه نظامی فقط یکی از آنها می تواند باشد. در اینجا به یکی دو فراز از این متن می پردازم، چون که این متن من را خیلی شگفت زده کرد و این نویسنده را نیز نمی شناختم. او ترانامه ای را مطرح می کند و می گوید : از سال 2014 از حالت آماده باش وارد یک برخورد فعال و وارد یک جنگ تمام عیار شده ایم ولی این جنگ در واقع یک جنگ ترکیبی است. و برخورد نظامی در اوکراین هنوز تا اینجا در ابعاد حداکثری نرسیده است. ولی خطر برخورد مستقیم بین روسیه و آمریکا وجود دارد و افزایش می یابد. چالشی که روسیه با آن روبرو شده در تاریخ ما بی سابقه و این صورتبندی از برخورد در سطح خیلی بزرگتری نسبت به دوران جنگ سرد قرار دارد. در واقع صحنه اصلی جنگ بین ایالات متحده آمریکا و روسیه، نه در خارج از روسیه بلکه در داخل روسیه واقع شده است.

او چه می گوید : البته فاصله بین دو جبهه متخاصم خیلی زیاد است، یعنی نیروهای حاضر نامتعادل یا نابرابرند. ایالات متحده آمریکا و هم پیمانان آن اهداف خیلی رادیکالی را علیه روسیه در پیش گرفته اند، و در واقع خواهان حذف روسیه از سیاست جهانی هستند، و در پی تخریب کامل اقتصاد روسیه می باشند... و این استراتژی به اتحاد غربی اجازه می دهد که مسئله روسیه را حل کنند و از این طریق در عین حال جنگ علیه چین را تدارک می بینند. در نتیجه هیچ چشم انداز جدی برای گفتگو وجود ندارد. غرب اجازه نمی دهد که هیچ کشوری در جنگ بین روسیه و ایالات متحده آمریکا بی طرف باقی بماند، جایی برای بی طرف ماندن وجود ندارد در نتیجه برای ما مشکل بزرگی را به وجود می آورد، مضافاً بر اینکه بایدن موفق شد طرح خود را در مورد اتحادیه اروپا به انجام رساند، یعنی تحکیم فرادستی (لیدر چیپ) آمریکا در غرب را به دست آورد. در نتیجه برای روسیه امکان گفتگو با اروپائی ها وجود ندارد که امنیت روسیه را تضمین کنند و به وضعیت ثبات و صلح آمیز در اروپا بازگشت کنند. در نتیجه مرکز سیاست استراتژی بین المللی مسکو باید روی خودگردانی روسیه تمرکز یابد، کشور باید روی نیروهای خود اتکا کند. نتیجه این نبرد از پیش تعیین و مشخص نشده است. نبرد در حوزه تحریم ها روسیه را تحت تأثیر قرار می دهد ولی روسیه می تواند جهان پیرامون خود را متحول کند... در نتیجه تفاوتی بین جبهه خارجی و داخلی روسیه وجود ندارد، به این علت که جبهه داخلی روسیه اردوی جنگ برای ایالات متحده آمریکا است .

ولی دیمیتری ترینین چه چیزی پیشنهاد می کند؟ او می گوید : روسیه باید حتماً در اوکراین پیروز نظامی به دست آورد، یعنی استراتژی نظامی که پیروزی روسیه را تضمین کند. به این ترتیب از فحواى حرف او چنین بر می آید که پیروزی نظامی به شکلی که امیدوار بودند به دست نیامده است، ولی کار مهمی که روسیه باید انجام دهد این است که با کشورهای غیر غربی نظم نوینی را به وجود بیاورد، و اردوی ارتباطاتی آن را نیز گسترش دهد. مناسبات قوی با شرق اوکراین در دنباس و بیلاروس. او پیشنهاد می کند که روسیه سیاست خود را در مبنای سیاستی بیش از پیش اجتماعی تقویت کند. سیاستی که بیشتر زیر سلطه الیگارک ها بوده... از این پس باید سیاست خیلی قوی تر، بیش از پیش خود گردان و مستقل که فقط به نفت و گاز و گندم و مواد خام اولیه بستگی نداشته باشد بلکه باید به اقتصاد واقعاً پیشرفته ای تبدیل شود. و برای دست یابی به چنین هدفی ما یک مشکل داریم، و آن هم این است که الیگارک های ما میلیاردهائی را که به دست آورده بودند در بهشت های « آف شور » در غرب نگهداشته اند و خواهان معامله با غرب هستند، در حالی که روسیه نیازمند سیاستی است که روی وجه اجتماعی و عمومی اتکا داشته باشد، که قدرت خرید مردم و وضعیت فقر را به حساب بیاورد. و سیاستی که توسعه در همه بخش ها را در نظر بگیرد و نه فقط آن بخش هائی که مورد نظر الیگارک ها و به منافع آنان بستگی دارد. دیمیتری ترینین به خوبی درک کرده است که به چه علتی چین خیلی بهتر در مقابل امپریالیسم ایالات متحده آمریکا و اروپا مقاومت کرده و به چه علتی موفق شده اقتصاد قدرتمندی را به وجود بیاورد بطوریکه قادر بوده فرادستی آمریکا در جهان را واژگون کند. او دریافته است که دولت و حزب کمونیست چین نقش تعیین کننده ای در اقتصاد چین به عهده داشته تا سیاست بر مبنای منافع اجتماعی استوار بماند و رضایت مجموع عموم مردم را به دست آورد، و یعنی سیاستی که خیلی مؤثر تر آن از چیزی است که الیگارک ها با سرمایه گذاری هایشان به دست می آورند . در چین برای سرمایه گذاری های درازمدت ارجحیت قائل می شوند که مجموع بخش ها در هماهنگی با یکدیگر توسعه یابد. یعنی روندی که به چین اجازه می دهد که کمتر به صادرات خود وابسته باشد و روی رشد بازار داخلی اتکا می کند. می توانیم حدس بزنیم که دیمیتری ترینین در حال خواب دیدن چپ یا سوسیالیسم برای آینده روسیه است و نه روسیه ای که از دوران فروپاشی اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی شاهد آن بوده ایم.

La Russie doit se réinventer – Michel Collon

<https://www.youtube.com/watch?v=ZlJWj8bxqk&t=15s>

د پانډو شميره: له 3 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همكارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړيکه ټينگه كړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليكني د ليكنيزې بني پازوالي د ليكوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليكنه له راليولو مخكي په خير و لولئ